**نام مقاله: بررسي و مقايسه پژوهشهاي مربوط به واژگان**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 27 \_ شماره سوم، جلد 7**

**پديدآور: ناديا فكري**

**مترجم:**

 **چكيده**

**بررسي حاضر به منظور مقايسه بين پژوهش‌هاي انجام شده در حوزة واژگان كودكان (اعم از نوشتاري، گفتاري يا خوانداري) انجام شده است. در اين بررسي ميزان تفاوت‌ها و شباهت‌هاي پژوهش‌هاي فوق از نظر عملكرد پژوهشگران و معيارهاي اعمال‌شده توسط آنان در زمينة نوع واژگان (نوشتاري، خوانداري يا گفتاري)، جامعة آماري، تعيين حدود واژه، و... نشان داده شده و در پايان نيز پيشنهادهايي براي هماهنگ‌كردن پژوهش‌هاي آتي و توسعه پژوهش‌هاي مشابه ارائه شده است.**

**كليدواژه‌ها: واژگان نوشتاري، واژگان گفتاري، واژگان خوانداري، كودكان دبستاني، واژگان پايه**

**مقدمه**

**انسان موجودي اجتماعي است و فقط مي‌تواند در اجتماع زندگي كند و در اين زندگي جمعي، نيازمند ارتباطات و پيوندهايي است كه شرايط لازم براي رشد و شكوفايي وي را فراهم كند. يكي از عوامل رشد و تكامل جامعة انساني و شايد مهمترين آن، ارتباط است و در اين رابطه زبان، نقش اساسي ايفا مي‌كند.**

**تفهيم و تفهم به وسيلة زبان و توسط واژگان موجود در آن صورت مي‌گيرد و بيان انديشه، انتقال تجارب و آزموده‌ها، و... نيز از طريق واژگان امكان‌پذير است. اساس كار آموزش بر يادگيري زبان و گسترش اجزاي سازندة آن (يعني واژگان) استوار مي‌باشد. اجراي اصول تعليم و تربيت تنها از طريق انتخاب زبان صحيح و به‌‌كارگيري واژگان مناسب ميسر مي‌گردد.**

**امروزه تعليم و تربيت اساساً از طريق ادبيات مكتوب به نسل‌هاي جديد منتقل مي‌شود. بنابراين كتاب و نويسنده در اين فرآيند از جايگاهي خاص برخوردارند. كتاب مناسب، قدرت تخيل كودك را تقويت مي‌كند و به او روش انديشيدن خلاق را مي‌آموزد و بستر يك زندگي هدفمند، فعال و پويا را براي وي فراهم مي‌سازد. از اين‌رو نويسنده‌اي كه براي كودكان مي‌نويسد، وظيفه‌اي بس عالمانه و هنرمندانه برعهده دارد. او بايد خوانندگان خردسال خود را بشناسد و به ظرايف زبان آنان آگاهي داشته باشد و بداندكه هر زبان ساده‌اي، زبان كودكانه نيست.**

**«ابراهيمي» مهم‌ترين وظايف نويسندة كودك و نوجوان را چنين برمي‌شمرد: «او بايد از يكسو با بسياري از علوم چون روانشناسي، تعليم و تربيت، جامعه‌شناسي، زبانشناسي، و...، و بنا به وضعيت آموزشي كودكان با فنون مختلفي چون صنايع دستي، قاليبافي، نجاري، بنايي، و ... نيز تاحدودي آشنايي داشته باشد. از سوي ديگر به فنون نگارش، فن ساده‌‍‌سازي جملات، فن به‌كاربردن ساده‌ترين و آشناترين كلمات، فن بسيار ظريف رساندن و فهماندن معاني واژه‌ها و اصطلاحات جديد، فن به‌كارگيري ساده‌ترين و كوتاه‌ترين كلمه‌ها با كمترين بخش‌ها و هجاها با درنظرگرفتن حد سني كودكان خوانندة اثر و شرايط فرهنگي، اجتماعي آنان، كاملاً تسلط داشته باشد» (ابراهيمي، 1363).**

**جمعيت كشور ما ايران يكي از جوان‌ترين جوامع دنيا است و به‌همين دليل ادبيات كودك و نوجوان در آن بيشترين مخاطب را دارد. خلق آثار پرمايه و خلاق براي اين گروه بزرگ مخاطب بر اساس نيازها و شرايط محيط اطراف آنان، يك نياز ضروري است. اين مهم به ثمر نمي‌رسد مگر اين كه نويسندگان ما مجموعه‌اي از لغات روزآمد متناسب با گروه‌هاي سني مختلف در اختيار داشته باشند تا با استفاده از اين مجموعه‌ها و با بصيرت و شناختي كه بايد دارا باشد، بتوانند با كودكان به راحتي ارتباط برقرار كنند و به بهترين صورت ممكن مفاهيم، تجارب، احساسات، و ... را با ساده‌ترين واژگان انتقال دهند و از اين راه كودكان را از سردرگمي در واژگان دشوار و مهجور و به تبع آن خستگي و دلزدگي از مطالعه رهايي بخشند؛ از سوي ديگر با استفاده از اين مجموعه لغات، سعي در گسترش گنجينة واژگان آنان نيز داشته باشند و با تكرار واژه‌هاي ساده، مطالعه را امري پيش‌پا افتاده و ساده نينگارند.**

**معرفي پژوهش‌هاي انجام‌شده از ابتدا تاكنون**

**اولين تحقيقي كه در ايران دربارة واژگان نوشتاري كودكان صورت گرفت پايان‌نامه دكتري «فريدون بدره‌اي» در سال 1350 در رشته زبانشناسي با عنوان «وسعت واژگان كودكان دبستاني ايران برپاية نوشته‌هاي آنان» بود كه توسط فرهنگستان زبان ايران در سال 1352 به صورت كتاب نيز چاپ شده است. «بدره‌اي» در اين پژوهش، نمونه‌گيري خود را برپاية بررسي 98769 واژه گذاشته، كه به گفتة وي اين تعداد واژه نسبت به پژوهش‌هاي مشابه انجام شده در خارج كاملاً قانع‌كننده و درخور اطمينان است. اين تعداد واژه از 1085 نامه كه كودكان دبستاني از 908 دبستان و 160 شهر در سراسر ايران براي «مركز ملي آموزش بزرگسالان» ارسال كرده بودند، استخراج شده است. در اين پژوهش تعداد 8712 صورت زباني و 4598 واژة مختلف به ثبت رسيده. سپس با توجه به دو عامل پراكندگي (ميزان استفادة واژه در كلاس‌هاي مختلف) و بسامد واژه‌ها، تعداد واژگان پاية كودكان اين گروه سني، 775 واژه تعيين شده است.**

**وي در پژوهش خود ابتدا واژگان را در جداولي بصورت الفبايي و سپس در جداولي به ترتيب بسامد مرتب كرده و نوشته است.**

**پس از اين جداول، فهرست‌هاي موضوعي واژگان نوشتاري كودكان (با موضوعات: اشيا و ابزار، گياهان، جانوران، اندام‌ها و حواس، جاي‌ها و مكان‌ها، دين، گوهرها و عناصر طبيعي، و...) ذكر شده. لازم به ذكر است كه زيرگروه‌هاي غيرفعلي پژوهش حاضر (كه در فصل سوم، توضيح كامل آن خواهد آمد) در راستاي مقايسه با پژوهش «بدره‌اي»، برگرفته از فهرست‌هاي موضوعي وي مي‌باشد.**

**يكي از ديگر بررسي‌هايي كه دربارة واژگان كودكان انجام شده «فهرست پربسامدترين واژه‌هاي خردسالان (6 تا 12 سال)» است كه توسط «ليلي ايمن» و با همكاري گروهي شامل بيش از 20 متخصص انجام شده. اين تحقيق كه اجراي آن ده سال به طول انجاميد در سال 1357 زيرنظر «مركز ملي آموزش بزرگسالان» به چاپ رسيد. پژوهشگر حاضر اين اطلاعات را از يك نسخة دستنوشت موجود در شوراي كتاب كودك به‌دست آورده است. در بخشي از مقدمة اين كتاب آمده: «ساخت علمي اين طرح و رهنمودهاي زبانشناسي آن به تصويب گروهي به سرپرستي استاد محترم جناب آقاي دكتر «پرويز خانلري» رسيده است. همچنين آقايان «شاپور راسخ» و دكتر «ايرج ايمن» در مورد انتخاب جمعيت موردنظر و روش‌هاي اجراي تحقيق به‌عنوان مشاور، پژوهندگان را راهنمايي و ارشاد كرده‌اند» (ايمن، 1357).**

**در طول ده سال دورة پژوهش، پژوهشگران طرح در سراسر كشور، در كلية استان‌ها، شهرها و حتي روستاها با استفاده از مصاحبه و ضبط گفتار كودكان بر روي نوار و تحليل نوارها، به بررسي و ثبت واژگان گفتاري كودكان پرداخته‌اند. واژگان نوشتاري نيز با تحليل پرخواننده‌ترين كتاب‌ها و نوشته‌هاي خردسالان (6 تا 12 سال) جمع‌آوري شده است. مجموعة به‌دست آمده از منابع كتبي حدود يك ميليون واژه، و مجموعة به‌دست آمده از منابع شفاهي حدود 3 ميليون واژه مي‌باشد. پس از بررسي حدود 4 ميليون واژه، فهرستي شامل 2398 واژه ارائه شده است. در اين اثر اگر كلمه‌اي به معاني مختلف استفاده شده، هر يك از معاني آن به‌صورت يك واحد واژه‌اي در فهرست ذكر شده است. در مورد افعال نيز ابتدا صورت مصدري آن فعل آمده و سپس صورت‌هاي تصريفي فعل، در زير مصدر آن ذكر شده است. در اين پژوهش حروف اضافي، حروف ربط، و... درنظر گرفته نشده‌اند.**

**تحقيق ديگر دربارة واژگان كودكان دبستاني، توسط «عبدالرحمن صفارپور» در دهه شصت با عنوان «واژگان پاية كلاس‌هاي اول تا پنجم» در شوراي تحقيقات آموزش و پرورش بر اساس كتاب‌هاي درسي كودكان دبستاني و نهضت سوادآموزي انجام شده، و در بهار سال 1370 به چاپ رسيده است (صفارپور، 1370). در حقيقت مي‌توان اين اثر را واژگان پاية خوانداري كتاب‌هاي درسي دبستان و نهضت سوادآموزي دانست. در مقدمة اين اثر كه به‌صورت كتاب به چاپ رسيده، بيان شده است كه در ميان آثار به‌وجود آمده براي كودكان و نوجوانان دو مشكل وجود دارد:**

**1. كساني كه به تازگي قدم به عرصة توليد اثر براي بچه‌ها نهاده‌اند، لغات و تعابير مهجوري را به كار مي‌برند كه در حيطة واژگان پاية مخاطبان نيستند.**

**2. كساني كه در نوشتن براي كودكان تجربه دارند، از به كاربردن لغاتي كه مخاطبان آن‌ها مي‌فهمند، خودداري مي‌كنند.**

**وي ادعا كرده است كه راه چارة اين مشكل «گردآوري علمي واژگان پاية گروه‌هاي سني مختلف» است. وي مي‌افزايد كه مي‌توان با بهره‌گيري از لغات تركيبي به غناي ذهني و باروري گنجينة لغات مخاطبان افزود. او دربارة شروع تحقيق و چگونگي كار خود مي‌گويد:**

**«مي‌انديشيدم، حال كه در كتب ابتدايي كلمات و واژه‌هايي به‌كار گرفته شده كه گاهي بر اساس توانايي ذهني كودكان هر پايه نمي‌باشند، اگر بتوان تمام واژه‌هاي به‌كار گرفته شده در كتب درسي ابتدايي را فيش‌برداري و ليست كرد، آنگاه مي‌توان بررسي و تحقيق نمود كه، دانش‌آموزان هر پايه:**

**الف) معناي چه كلماتي از كتب درسي خود را مي‌دانند؟**

**ب) معناي چه كلماتي از كتب درسي خود را نمي‌دانند؟**

**سپس با بند ب مي‌توان سه برخورد متفاوت داشت:**

**1. براي دسته‌اي از واژه‌هاي نامأنوس كتب درسي ابتدايي، كلمات ساده‌تري كه معادل آن‌ها هستند قرار دارد؛**

**2. كلماتي را كه به معناكردن احتياج دارند، به‌گونه‌اي كه در حد توان ذهني و شناخت شاگردان هر پايه باشد، معنا كرد؛**

**3. واژگاني را كه به‌نظر مي‌رسد بالاتر از حد ذهني دانش‌آموزان است، حذف كرد» (صفارپور، 1370).**

**به تصور وي در صورت انجام چنين كاري مي‌توان به نويسندگان، سازمان‌ها و كساني كه به نوعي با كودكان سروكار دارند، كمك كرد تا حدود واژگان دانسته و ندانستة كودكان را دريابند و در نوشتن، حرف‌زدن و هر نوع ارتباط با كودكان، كلماتي را به‌‌كار گيرند كه آنان درك مي‌كنند.**

**بنا به گفتة «صفارپور»، اين موضوع از سال 1360 براي او مطرح بوده و از آن سال شروع به فيش‌برداري از كتاب‌هاي درسي ابتدايي و نهضت سوادآموزي كرده و اين‌كار تا اوايل سال 1368 طول كشيده است.**

**شيوة كار «صفارپور» در اين اثر، به اين صورت است كه كلمات به كار رفته در كتاب‌هاي درسي فارسي، رياضي، علوم، ديني، اجتماعي و هنر پايه‌‍‌هاي اول تا پنجم دبستان و كتاب‌هاي فارسي 1 و 2 مقدماتي و رياضي 1 و 2 مقدماتي نهضت سوادآموزي را به تفكيك پايه و مادة درسي، مشخص نموده و يك فهرست واژگاني در حدود 26000 واژه ارائه كرده كه از اين تعداد، 25000 واژه مربوط به كتب پنج پاية دبستاني و 1000 واژه مربوط به كتاب‌‌هاي نهضت سوادآموزي است. در اين اثر بدون اينكه واژگان پايه مشخص شوند و بدون جمع‌بندي نهايي و گرفتن يك نتيجة مشخص، تنها فهرستي الفبايي از واژگان ارائه شده است.**

**پژوهش ديگري كه دربارة واژگان پاية فارسي انجام شده، رسالة كارشناسي ارشد رشتة زبانشناسي همگاني «مهدي ضرغاميان» با عنوان «واژگان خوانداري كودكان دبستاني ايران» مي‌باشد كه در سال 1371 در پژوهشگاه علوم انساني از آن دفاع شده. در اين اثر مجموعه‌اي از واژگان خوانداري كودكان دبستاني ايران در دهه شصت (1360-1369) مورد بررسي قرار گرفته است. «اين واژگان از طريق گزينش روش‌هاي كامپيوتري از روي 87 عنوان كتاب، 9 عنوان مقاله و قصة منتشرشده در مجلات ويژة كودكان به‌دست آمده است. اين كتاب‌ها، مقالات و قصه‌ها از سوي كانون براي گروه‌هاي سني «ب» (معادل 7 تا 9 ساله، يعني كلاس‌هاي اول تا سوم) و «ج» (معادل 11 تا12 ساله،يعني كلاس‌هاي چهارم و پنجم)، مابين سال‌هاي 1360 تا 1369 تهيه شده است» (ضرغاميان، 1371).**

**تشخيص مرز واژگان، از نظر «ضرغاميان» بر اساس برداشت نشانه‌‌مند از كلمه صورت مي‌گيرد. مثلاً عبارت «لباس فضانوردي» به نظر وي يك مدخل محسوب مي‌شود و نيازي به تجزية اين مدخل به دو واژة «لباس» و «فضانوردي» نيست.**

**«ضرغاميان» در رسالة خود 13039 مدخل واژگاني با كاربرد حدود 80629 را در دو فهرست الفبايي و بسامدي ارائه نموده است.**

**كار ديگر در موضوع واژگان كودكان توسط «گيتي شكري» و با عنوان «فرهنگ دبستاني» در سال 1374 انجام شده است. اين كتاب شامل پانزده هزار واژه و در دو جلد، توسط «پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي» به چاپ رسيده. وي براي نوشتن اين كتاب، كلية واژه‌هاي كتاب‌هاي درسي دورة ابتدايي و پنجاه عنوان كتاب غيردرسي متعلق به گروه‌هاي سني 6 تا 11 سال، مجلات پيك، رشد، كيهان بچه‌ها، فهرست پرتكرارترين واژه‌هاي خردسالان در پژوهش «ليلي ايمن»، و كتاب واژگان نوشتاري «بدره‌اي» را استخراج نموده است. همچنين ده برنامه از برنامه‌هاي كودكان و نوجوانان راديو و تلويزيون را به طور تصادفي انتخاب و ضبط، و واژه‌هاي آن‌ها را استخراج كرده و سپس به‌صورت الفبايي در قالب اين كتاب تنظيم نموده است.**

**در سال 1376 دو رسالة كارشناسي ارشد در «دانشكده ادبيات فارسي و زبان‌هاي خارجي» دانشگاه علامه طباطبايي در رشته «آموزش زبان فارسي به غيرفارسي‌زبانان» دربارة واژگان پايه ارائه شده است. يكي از اين پايان‌نامه‌ها توسط «فرامرز صفرزاده» با عنوان «واژگان گفتاري پاية كودكان دبستاني ايران (پايه‌هاي سوم، چهارم و پنجم) در مدارس تهران» نوشته شده است. «صفرزاده» براي پژوهش خود، كودكان دبستاني پايه‌هاي سوم تا پنجم از شش دبستان دخترانه و شش دبستان پسرانه واقع در منطقه دو تهران را برگزيده، در هر پايه به صورت تصادفي 10 پسر و 10 دختر را انتخاب كرده و به عبارت ديگر پژوهش خود را بر روي 60 دانش‌آموز دختر و پسر انجام داده است. وي گفتگوهاي دونفرة دانش‌آموزان به مدت 15 ساعت را ضبط و تحليل كرده است.**

**در ارائة فهرست‌هاي واژگان، وي از دو نرم‌افزار «واژه‌پرداز شارپ» و «تحليلگر متن» بهره گرفته. به گفته وي چون «واژه‌پرداز شارپ» فاقد نشانه‌هاي آوايي ( \_َِ\_ُ ) بوده، از روش آوانويسي استفاده كرده است. مثلاً مقابل واژة «راستي» نوشته شده است «rasti». او با استفاده از نرم‌افزار تحليلگر متن، با شمارش تك‌تك كلمات موجود در متن، فهرست‌هاي الفبايي و بسامدي خود را تهيه كرده است. او واژگان پژوهش خود را به ترتيب بسامد مرتب كرده و در مقابل هر واژه، ميزان كاربرد آن در پايه‌هاي مختلف و در دختران و پسران را به تفكيك مشخص كرده. واژگان پژوهش وي شامل 57320 بسامد و 9676 واژة نامكرر مي‌باشد، با اين توضيح كه هر صورت تصريفي، يك واژه درنظر گرفته شده است.**

**پايان‌نامة ديگر توسط «علي محمد شبيري» با عنوان «واژگان پاية ادراكي دانش‌آموزان كلاس‌هاي سوم، چهارم، و پنجم ابتدايي شهر تهران» تدوين شده است. «شبيري» هدف خود از انجام اين تحقيق را رسيدن به مجموعة واژگان ادراكي دانش‌آموزان ابتدايي مي‌داند و چنين بيان مي‌كند: «نخست لازم است كلية واژگاني را كه اين گروه از دانش‌آموزان در معرض آن قرار دارند، مشخص كنيم. گردآوري مستقيم واژه‌ها از منابع متعدد و كتب درسي دانش‌‌آموزان، صرف وقت بسيار و نيروي كار فراوان را مي‌طلبيد. به همين دليل از چند مجموعة واژگاني كه قبلاً توسط محققان ديگر جمع‌‌آوري شده بود، استفاده شد. اين مجموعه‌هاي واژگاني عبارت‌اند از «واژگان نوشتاري كودكان دبستاني» اثر «فريدون بدره‌اي»، «واژگان پاية دانش‌آموزان كلاس اول تا پنجم ابتدايي» نوشته «عبدالرحمن صفارپور» و «واژگان خوانداري كودكان دبستاني ايران» كار «مهدي ضرغاميان». مبناي اين تحقيق مجموعه «ضرغاميان» قرار گرفت و سپس واژگان مشترك با آن از دو مجموعة ديگر حذف شد. در نهايت مجموعه‌اي در حدود 4100 واژه باقي ماند كه براي تهية پرسشنامه در نظر گرفته شد» (شبيري، 1376). وي واژگان فهرست‌هاي «بدره‌اي» را با اين فرض كه توسط بچه‌ها و در نوشته‌هاي آنان به‌‌كار رفته و بنابراين قابل درك مي‌باشند، حذف نموده است. او در فصل چهارم پايان‌نامة خود، روش كار پژوهش را اين‌گونه بيان مي‌دارد كه: «براي تك‌تك واژگان مورد بررسي كه مهجور و ناآشنا فرض شده‌اند، جملاتي از ميان كتاب‌هاي درسي يا مجلات و داستان‌هاي متناسب با سن آنان، ساخته شده. سپس كلمات جايگزين، با توجه به ساختار دستوري كلمة موردنظر و توضيحات ارائه شده براي آن كلمه در فرهنگ «معين» ساخته شد و در قالب سؤالاتي از دانش‌آموزان، معادل‌هاي واژگان پرسيده شده است. در اين رساله، بسامد يك واژه به تعداد دفعاتي كه واژه، پاسخ مثبت را كسب كرده، به‌كار رفته است» (شبيري، 1376).**

**«شبيري» در فصل پنجم پايان‌نامة خود واژگان نوشتاري و گفتاري را زيرمجموعة واژگان ادراكي درنظر گرفته است. معيار تفكيك واژه در اين پژوهش نيز همانند پژوهش «ضرغاميان»، برداشت نشانه‌مند از كلمه مي‌باشد. «در اين رساله فقط 195 واژه از دركي معادل 85 درصد برخوردار بوده است- يعني تقريباً يك چهارم واژگان پاية نوشتاري كه «بدره‌اي» برشمرده است» (شبيري، 1376).**

**با توجه به تفاوت چشمگيري كه در فهرست واژگان ادراكي «شبيري» با واژگان گفتاري كودكان «صفرزاده» مشاهده مي‌‌شود، «شبيري» چنين نتيجه‌گيري مي‌كند: «صِرف كاربرد يك واژه در گفتار يا نوشتار كودك نبايد حمل بر درك آن واژه شود».**

**آخرين پژوهش در موضوع واژگان كودكان پايان‌نامه‌اي است به عنوان «شناسايي و تحليل واژگان نوشتاري كودكان دبستاني ايران» كه در دانشگاه شهيد چمران اهواز در سال 1382، نگارندة اين سطور آن را تدوين و ارائه كرده است.**

**در اين پژوهش نامه‌هاي ارسالي كودكان دبستاني سراسر كشور به دفتر مجلات «رشد نوآموز» و «رشد دانش‌آموز» در طول سال‌هاي 81-1380 مورد بررسي قرار گرفته است. از 367 نامة بررسي شده در اين پژوهش 56086 واژه و 4754 واژة غيرتكراري استخراج شده است. معيار تفكيك واژه در اين پژوهش، نظرية ساختاري مي‌باشد، به اين صورت كه كلية تركيبات اضافي و وصفي، به واژگان سازندة خود تفكيك شده‌اند (مثلاً «لباس فضانوردي» به دو واژه «لباس» و «فضانوردي» تفكيك شده است). واژگان در چهار گروه اصلي: فعلي، غيرفعلي، اصطلاحات، و مصدر، بررسي و طبقه‌بندي شده‌اند. گروه غيرفعلي خود به هجده زيرگروه فرعي تقسيم شده است.**

**حاصل اين پژوهش يك جدول الفبايي شامل 56086 واژه (صورت زباني)، يك جدول بسامدي شامل 4754 واژه و يك جدول واژگان پايه شامل 761 واژه پايه مي‌باشد.**

**مقايسة پژوهش‌هاي پيشين با پژوهش حاضر**

**پژوهش حاضر (همانطور كه از عنوان آن برمي‌آيد) تنها مربوط به واژگان نوشتاري كودكان دبستاني است. يعني با استخراج واژگان به‌كار رفته در نوشته‌هاي كودكان، واژگان پاية نوشتاري آنان را در طول سال‌هاي 81-1380 مشخص مي‌نمايد. به عبارت ديگر اين پژوهش، ادامة كار پژوهش «بدره‌اي» پس از گذشت بيش از سي‌سال مي‌باشد.**

**پژوهش حاضر، شباهت‌هاي زيادي با پژوهش «بدره‌اي» دارد. از جمله اين شباهت‌‍‌ها محدودة جغرافيايي نمونه‌گيري (كه در هر دو پژوهش، نوشته‌هاي كودكان سراسر ايران را شامل مي‌شود)، بررسي واژگان نوشتاري، استفاده از معيار ساختاري براي تفكيك واژه، و استفاده از دو عامل پراكندگي و بسامد در تعيين واژگان پايه مي‌باشد. تفاوت‌هاي موجود در اين دو پژوهش نيز از اين قرارند: شيوة كار بدره‌اي سنتي و دستي است، اما شيوة كار اين پژوهش، رايانه‌اي و با استفاده از نرم‌افزار خاصي مي‌باشد كه براي اين پژوهش طراحي و تنظيم شده است. معيار تشخيص فعل مركب نيز در اين پژوهش با پژوهش «بدره‌اي» متفاوت است. در شمارش بسامد واژگان، «بدره‌اي» واژة داراي «ي» نكره را با خود واژة اصلي شمارش نكرده است. به عنوان مثال واژة «روزي» با 221 بسامد با واژة «روز» با 548 بسامد، در فهرست‌هاي وي با هم جمع نشده‌اند؛ اما در اين پژوهش با توجه به معيارهاي ذكرشده، «ي» نكره واژة جديدي نمي‌سازد و اين دو واژه با هم جمع، و مجموع بسامد هر دو در مقابل واژة «روز» ذكر مي‌شود.**

**در اين پژوهش امكان تفكيك واژگان مورد استفادة دختران و پسران نيز وجود دارد، اما در پژوهش «بدره‌اي» اين امكان وجود ندارد.**

**اسامي مشاهير، شهرها، كشورها و اسامي خاص در پژوهش «بدره‌اي» محسوب و نوشته شده‌اند. در پژوهش «بدره‌اي» افعال مستتر در اسم يا صفت شمارش نشده‌اند؛ مثل: مريضم (مريض هستم) يا اميدوارم (اميدوار هستم) و يا خسته‌اي (خسته هستي). اما در اين پژوهش از مقابل چنين كلماتي، افعال تحت مصدر اصلي خود (بودن) به بخش افعال ارجاع داده شده و با افعال مشابه خود كه در آن بخش نوشته شده، جمع و شمارش شده‌اند. در پژوهش «بدره‌اي» افعال در صيغه‌ها و زمان‌هاي مختلف بسيار پراكنده‌اند و در مقابل آنان مصدر اصلي فعل نيز قيد نشده است؛ ولي در اين پژوهش در مقابل هر صيغه از فعل، مصدر اصلي آن نيز ذكر شده است.**

**هيچيك از پژوهش‌هاي ديگر بر روي واژگان نوشتاري كودكان كار نكرده و علاوه بر اين، حوزة جغرافيايي فعاليت خود را نيز محدود كرده‌اند. مثلاً پژوهش «اصغرزاده» فقط بر روي كودكان منطقه 2 تهران انجام شده (كه نمي‌تواند نمونة كامل و جامعي از كودكان ايران باشد)، يا در پژوهش «شبيري» توزيع پرسشنامة ميزان درك واژگان، تنها در مناطق 1 و 17 تهران انجام شده است (به گفتة وي منطقه 1، معرف قشر مرفه و منطقه 17 معرف قشر محروم و كم‌درآمد جامعه مي‌باشد). اين نمونه نيز نمونة كامل و جامعي نيست، زيرا حتي اگر طبق ادعاي وي اين دو منطقه معرف 2 قشر مرفه و محروم باشند، پس قشر متوسط جامعه در اين نمونه جايي ندارد.**

**اما آنچه كه اين پژوهش و پژوهش «بدره‌اي» را از ديگر پژوهش‌ها متمايز مي‌سازد، معيار تفكيك واژه است. همان‌گونه كه ذكر شد، معيار تفكيك واژه در اين دو پژوهش، معيار ساختاري مي‌باشد؛ ولي پژوهش‌هاي ديگر- «صفرزاده»، «ضرغاميان» و «شبيري»- استفاده از معيار نشانه‌مند را براي پژوهش خود برگزيده‌اند. «صفرزاده» در فصل دوم پايان‌نامة خود مي‌نويسد: «تشخيص مرز واژگان، از نظر «ضرغاميان» بر اساس برداشت نشانه‌مند از كلمه صورت مي‌گيرد؛ مثلاً عبارت «لباس فضانوردي» به نظر ايشان يك مدخل محسوب مي‌شود و نيازي به تجزية اين مدخل به دو واژة «لباس» و «فضانوردي» نيست» (ضرغاميان، 1371). اما بر اساس نظرية ساختاري، اين عبارت به دو واژه «لباس» و «فضانوردي» تفكيك مي‌شود. «صفرزاده» در صفحه 20 پايان‌نامة خود مي‌نويسد: «چنانچه ما واژه را از نظر گويشوران بومي و بيسواد يك زبان تعريف بكنيم، قطعاً معيار ساختاري، معيار مقبول و مطلوبي نخواهد بود و گويشوران بيسواد اغلب واحدهايي را به عنوان واژه تلقي خواهند كرد كه يك نشانه براي آن‌ها به‌وجود آورده باشند.**

**در اينجا لازم به ذكر است كه قصد كلية پژوهشگران از انجام چنين پژوهش‌ها و تهية فهرست‌هاي واژگان، ارائة اين فهرست‌ها به گويشوران بومي و بيسواد نيست؛ بلكه ارائة اين فهرست‌ها به نويسندگان كتاب‌هاي كودكان، برنامه‌ريزان نظام‌هاي آموزشي، آموزشياران زبان، و... به منظور تدوين و نگارش برنامه‌ها و كتاب‌هاي مطلوب‌تر و مناسب‌تر مي‌باشد. بنابراين نيازي به ارائة برداشت نشانه‌‌مند از واژه نيست. با به‌كاربردن نظرية ساختاري، امكان تركيب واژه‌هاي متفاوت را براي كاربران ذكر شده، فراهم آورده‌ايم. اگر مطابق معيار نشانه‌مند «لباس فضانوردي» را تفكيك كنيم، فقط امكان استفاده از اين واژه را براي نويسنده، فراهم كرده‌ايم. اما اگر مطابق معيار ساختاري اين عبارت را به دو واژه «لباس» و «فضايي» تفكيك كنيم، امكان تركيب واژه «لباس» را با واژگان ديگر فراهم آورده‌ايم؛ مثل لباس ورزشي، لباس شنا، لباس گرم و...، و بدين ترتيب براي كاربران در انتخاب واژه، محدوديتي ايجاد نكرده‌ايم.**

**نتيجه‌گيري**

**از آنچه گفته شد، چنين برمي‌آيد كه پژوهش‌هاي يادشده تنها بر روي گروه سني كودكان دبستاني انجام شده است. معيار تفكيك واژه در آن‌ها يكسان نمي‌باشد و از اين‌رو انجام مقايسة منطقي بين آن‌ها امكان‌پذير نمي‌باشد.**

**در پژوهش‌هايي كه بر روي واژگان گفتاري يا خوانداري انجام شده صحبتي از واژگان پايه درميان نيست و تنها به ارائة فهرستي از واژگان، بدون توجه به ميزان اهميت يا درجة كاربرد آن اكتفا شده است. فهرست واژگان پايه، ويرايش و روزآمد نمي‌شود. در برخي از پژوهش‌ها واژگان گفتاري يا نوشتاري در يك فهرست نوشته شده‌اند؛ بنابراين ميزان استفاده و كاربرد واژگان در نوشته‌ها يا گفتار كودكان نامشخص مي‌باشد. كتاب‌هاي درسي كودكان به طور منظم بررسي نشده‌اند. واژگان به‌كاررفته در كتاب‌هاي غيردرسي و علمي كودكان نيز مورد بررسي قرار نگرفته‌اند.**

**پيشنهادها**

**1. پژوهش‌هاي مربوط به واژگان (نوشتاري، خوانداري يا گفتاري) به صورت منسجم و در ديگر گروه‌هاي سني (دوره راهنمايي، دبيرستان و دانشگاه) نيز انجام مي‌شود.**

**2. معيار تفكيك واژه زيرنظر يك مركز خاص (مانند فرهنگستان زبان فارسي) به‌صورت يكسان و هماهنگ تعريف شود تا پژوهش‌هاي آتي يكدست‌تر و قابل مقايسه‌تر گردند.**

**3. واژگان پاية هر گروه سني مشخص گردد و در يك نظم زباني منطقي، ويرايش و روزآمد شود.**

**4. از واژگان پايه در تأليف و ترجمة كتاب‌هاي درسي و غيردرسي مربوط به هر گروه سني استفاده شود.**

**منابع**

**ابراهيمي، نادر (1363). مقدمه‌اي بر مراحل خلق و توليد ادبيات كودكان. تهران: آگاه.**

**ايمن، ليلي (1357). واژگان نوشتاري و گفتاري كودكان 12-6 ساله ايراني. تهران: مركز ملي آموزش بزرگسالان.**

**بدره‌اي، فريدون (1350). واژگان نوشتاري كودكان دبستاني ايران. تهران: فرهنگستان زبان ايران.**

**شبيري، علي محمد (1376). واژگان پايه ادراكي دانش‌آموزان كلاسهاي سوم، چهارم و پنجم ابتدايي. رسالة كارشناسي ارشد، دانشگاه علامه طباطبايي، دانشكده ادبيات فارسي و زبان‌هاي خارجي.**

**صفارپور، عبدالرحمن (1370). واژگان پايه كلاسهاي اول تا پنجم دبستان. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ريزي آموزشي، دفتر انتشارات كمك آموزشي.**

**صفرزاده، فرامرز (1376). واژگان گفتاري كودكان دبستاني. رسالة كارشناسي ارشد، دانشگاه علامه طباطبايي، دانشكده ادبيات فارسي و زبان‌هاي خارجي.**

**ضرغاميان، مهدي (1371). واژگان خوانداري كودكان دبستاني ايران. رسالة كارشناسي ارشد، پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. برگرفته از فصل دوم پايان‌نامه كارشناسي ارشد با موضوع «شناسايي و تحليل واژگان نوشتاري كودكان دبستاني ايران» در رشته علوم كتابداري و اطلاع‌رساني به راهنمايي دكتر مرتضي كوكبي در دانشگاه شهيد چمران اهواز**

**2. فارغ‌التحصيل دوره كارشناسي ارشد كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه شهيد چمران اهواز**